



مطالعه فقهی و حقوقی خشونت علیه زنان باردار

مهدی مهیری

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق خانواده، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران (نویسنده مسئول)
lawyermahiri@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: خشونت علیه زنان عبارت است از هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب شده یا با احتمال آسیب جسمی، جنسی، عاطفی یا رنج زنان همراه می‌گردد. هدف از انجام این پژوهش بررسی خشونت علیه زنان باردار می‌باشد.

روش پژوهش: این مطالعه مروری با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، در بازه زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۲۰ و با جستجو در پایگاههای اطلاعاتی و وب سایت‌های بین‌المللی با استفاده از کلید واژه‌های خشونت، بارداری، تضییع، حقوق صورت گرفت. مقالات و انتشارات رسمی سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل متحد و همچنین منابع معتبر فقهی و نتایج حاصل از تحلیل محتوای قرآن کریم در این مرور مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های این مطالعه در سه گروه علل و پیامدها، شیوع در ایران و جهان و خشونت علیه زنان را شامل می‌شود. روی هم رفته عامل‌های زمینه ساز خشونت و همسرآزاری در حاملگی، نبود ثبات اجتماعی، سبک زندگی ناسالم، مشکلات سلامت جسمی از علل اصلی خشونت بر علیه زنان باردار می‌باشد. **نتیجه:** با توجه به احادیث و آیات قرآن خشونت علیه زنان به هیچ وجه قابل توجیه نمی‌باشد. خشونت علیه زنان باردار اثرات بعضا غیر قابل جبرانی روی نوزاد داشته و حتی گاهی باعث مرگ جنین می‌گردد.

کلید واژه‌ها: خشونت، بارداری، زنان، حقوق



مقدمه

خانواده اصلی ترین هسته ی هر جامعه و کانون حفظ سلامت است که نقش مهمی در شکل گیری نقش فرزندان دارد. یکی از پدیده های خانوادگی باعث به خطر افتادن بنیاد خانواده می گردد، اعمال خشونت علیه زنان است (مارابی، ۱۳۸۴: ۵).

خشونت علیه زنان عبارت است از هرگونه رفتار خشن وابسته به جنسیت که موجب آسیب شده یا با احتمال آسیب جسمی، جنسی، عاطفی یا رنج زنان همراه می گردد. خشونت خانگی رایج ترین نوع خشونت علیه زنان بوده و در حدود ۴۵ درصد زنان جهان از آن رنج می برند. هر چند که میزان خشونت خانگی در مناطق مختلف جهان متفاوت بوده و از ۱۵ تا ۷۰ درصد متغیر است. به طور معمول بیشترین میزان خشونت علیه زنان از طرف همسران آنها اعمال می گردد. چنین رفتاری می تواند با تهدید، سلب مطلق اختیار یا آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ دهد. به علت مرگ و میر و بیماری زایی ناشی از خشونت علیه زنان، این پدیده یکی از مشکلات مهم نظام بهداشتی و حقوقی هر کشور به شمار رفته و یک معضل حاد اجتماعی است این معضل باعث ایجاد مشکلاتی نظیر درد، افسردگی، بیماری های آمیزشی، انتقال بیشتر ویروس ایدز، خودکشی و طیف وسیعی از بیماری های روانی می گردد (مجوزی، ۱۳۸۱: ۹) اختلالات تغذیه، کم خونی، بزهکاری، مصرف الکل و مواد مخدر، مشکلات خواب، سندرم ترس مزمن، در زنان تجربه کننده خشونت خانگی بالاتر است. به طور کلی خشونت خانگی اثرات طولانی مدت بر روی سلامت داشته و می تواند علاوه بر به خطر افتادن سلامتی، باعث افت کیفیت زندگی و نیز استفاده بیشتر از خدمات بهداشتی و درمانی شود. خشونت علیه زنان باعث کاهش اعتماد به نفس زنان، کاهش مشارکت اقتصادی اجتماعی زنان در جامعه شده که نهایتاً منجر به کاهش رفاه جامعه می گردد. بنا به گزارش سازمان ملل متحد اعمال خشونت علیه زنان مانعی جهت رسیدن به برابری، توسعه و صلح می باشد. در این مقاله سعی بر این شده است تا نگاهی جامع به مسئله خشونت خانگی در دوران بارداری شود و این مسئله از دیدگاه اسلام و حقوقی نیز بررسی گردد (اینگل هارت، ترجمه: مریم وتر، ۱۳۸۳).

۱- روش تحقیق

این مطالعه مروری با استفاده از مطالعات کتابخانه ای، انجام شد. در ابتدا با استفاده از کلید واژه های خشونت، بارداری، تضییع، حقوق و خشونت علیه زنان به تنهایی یا بصورت ترکیبی، تمام مقالات مرتبط با کنواسیون ها و مستندات در پایگاههای اطلاعاتی Magiran, Iran Medex, Google Scholar, Pub med جستجو شد. مقالات، انتشارات رسمی سازمانهای بین المللی و سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل متحد نیز بررسی شد. مرور مستندات در بازه زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۲۰ انجام شد. تمام مستندات به منظور تعیین و انتخاب عناوین مرتبط توسط نویسندگان بررسی شد. معیار اصلی ورود به مطالعه باردار بودن زنان مورد مطالعه بود. در جستجوی اولیه با استفاده از کلید واژه ها ۱۴۷ چکیده مقاله در دسترس قرار گرفت. پس از بررسی مجدد مقالات با زبانهای انگلیسی و فارسی انتخاب و تمام مقالات تکراری و مقالاتی که امکان دسترسی به متن کامل آنها وجود نداشت حذف شدند. در نهایت ۳۳ مقاله و ۴ کتاب معتبر فقهی پس از بررسی منابع مطالعاتی مفاهیم فوق در منابع الکترونیک و مکتوب مرتبط با فرهنگ و تمدن ایرانی استخراج شد که از محتوای آیات قرآن کریم نیز استفاده شد.

۲- یافته ها

خانواده در عین حال که مهمترین هسته ی حفظ سلامت است می تواند رایجترین خشونت علیه زنان باشد که اکثراً در خانوادههایی که از سطح اقتصادی پایین، برخوردار هستند و معتاد اند دیده می شود. عوارض این خشونت ها علاوه بر سلامت جسمی و روحی باعث از بین رفتن کیفیت زندگی می شود که بیشتر این خشونت ها از طرف شوهر است از این رو یکی از مسایل مهم حقوق به شمار میرود که سازمان ملل متحد نیز به برابری زن و مرد اشاره کرده است و اگر این خشونت در دوران بارداری صورت گیرد که دوره بسیار حساسی است علاوه بر سلامت جسمی و روحی باعث سقط جنین شده لذا اهمیت بارداری به حدی است که حتی



در صورت مرتکب جرمی که حد بر او واجب باشد تا وضع حمل به تاخیر می افتد و ثواب بارداری تا حدی است که مثل اینکه در راه جهاد قدم بر میدارد. با توجه به احادیث زن و مرد از حقوق مساوی برخوردارند تنها از لحاظ تقوا بر یکدیگر برتری دارند مشورت با زنان را به دلیل احساسی بودن منع شده والا چه بسیار زنانی هستند که بهتر می توانند از مردان تصمیم بگیرند مثل حضرت زهرا (ص) در واقع اسلام و قوانین بین زن و مرد فرق نگذاشته بلکه زن و مرد در حالات مختلف نسبت به جنسیت خود برتر از یکی دیگر است. لذا پیشنهاد می شود به حقوق زنان نسبت به جنسیت خود که حتی بیشتر از مردان قادر به انجام آن هستند توجه شود.

۳- بحث و نتایج

در این مقاله سعی شده به علل و آثار خشونت پرداخته سپس خشونت در ایران و سطح جهان بررسی شده و از لحاظ حقوقی و فقهی خشونت علیه زنان بررسی می شود.

عوامل خشونت بارداری به عنوان یک دوره پر مخاطره برای سوء استفاده فیزیکی، روانی و جنسی شناخته شده است و بیش از یک سوم زنان مراجعه کننده به سیستمهای بهداشتی درمانی که مورد خشونت خانگی قرار گرفته اند حامله هستند. خشونت علیه زنان در تمامی طبقات اجتماعی شایع است هرچند که برخی از صاحب نظران بر این اعتقادند که در طبقاتی که کلاس اقتصادی اجتماعی پایین تری دارند شایع تر می باشد. شیوع آسیب فیزیکی توسط همسر در این دوره بین ۰/۹ تا ۲۰ درصد گزارش گردیده است. خشونت علیه زنان باردار حاصل کنش بین عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی است. در سطح فردی این عوامل شامل تجربه خشونت در کودکی، وجود خشونت در خانواده، نبود پدر در خانواده، مصرف الکل و مواد مخدر. در سطح خانوادگی شامل عدم سازگاری با همسر. خانواده مرد سالار یکی از پیش بینی کننده های قوی اعمال خشونت علیه زنان در خانواده می باشد. در سطح جامعه عللی که موجب بروز خشونت خانگی علیه زنان می شود شامل فقر، بیکاری، عدم وجود حمایت و جداسدگی از سایر اعضای خانواده، قبول خشونت علیه زنان از سوی جامعه، هنجار بودند. به طور کلی خشونت در زنانی که همسر معتاد، زندانی، فقیر، الکلی و سطح سواد پایین تر دارند شیوع بیشتری دارد. بین خشونت خانگی و سطح سواد افراد یک رابطه منفی وجود دارد که این عامل فاکتور بسیار مهم در شیوع خشونت می باشد. وجود اعتیاد در خانواده یک عامل قوی در ایجاد خشونت خانگی است. در اکثر مطالعات ثابت شده که عدم ثبات اقتصادی می تواند منجر به ناپایداری در خانواده و افزایش بروز خشونت شود. عواملی چون عدم درک صحیح از موقعیت خویش، انزوای اجتماعی، افسردگی و تجاوز به حقوق قربانی نیز از فاکتورهای موثر در خشونت خانگی هستند. از دیگر علل خشونت خانگی در خانواده شغل و درآمد پایین، اعتیاد و محکومیت کیفری همسر، حمایت ناکافی خانواده زن از وی، ندادن جهیزیه مناسب به عروس، سن کم زن، نوع مذهب همسر و سیگار کشیدن زن می باشد.

۴- علل و پیامدها

عوامل زمینه ساز خشونت و همسرآزاری در حاملگی به سه گروه تقسیم می شوند:

۱. نبود ثبات اجتماعی خود شامل عامل هایی به شرح ذیل است: زنان طلاق گرفته یا زنانی که جدا از همسر خود زندگی می کنند. میزان کم تحصیلات، عدم اشتغال به کار، سن کم در هنگام ازدواج و حاملگی ناخواسته.
۲. سبک زندگی ناسالم. شامل عوامل تغذیه ای مانند: تغذیه نامناسب، سوء مصرف الکل، دخانیات و داروهای غیر مجاز و مشکلات عاطفی گوناگون

مشکلات سلامت جسمی. شامل بیماریهای حاد و مزمن و مصرف داروهای مختلف. (Cunningham & Leveno, 2007)



به گفته سازمان عفو بین الملل، خشونت علیه زنان در خانواده بیش از ابتلا به سرطان و تصادفات جاده ای عامل مرگ یا معلولیت جسمانی زنان در گروه‌های سنی ۱۶ تا ۴۴ سال است. اثرات خشونت بر زنان باردار یک موضوع بحرانی در میان افراد خشونت دیده است، زیرا علاوه بر پیامدهای جسمی و روانی بر زن باردار، سلامت جنین فعلی و کودک بعدی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. بارداری ناخواسته، تاخیر در مراقبت پری‌ناتال، افزایش وزن نامناسب، سقط، زایمان زودرس، کندگی جفت، وزن کم هنگام تولد، کاهش رشد و حرکات جنین، اختلالات. خشونت علیه زنان باردار می‌تواند به علت مستقیم، به علت کندگی جفت، پارگی پره های جنینی (آمنیون و کوریون) و نیز انقباضات زودرس زایمانی موجب مرگ جنین شده و یا به طور غیر مستقیم مانند استرس، سوء مصرف مواد و ... باعث به خطر افتادن سلامت جنین و یا حتی مرگ جنین شود. به طور معمول زنان بارداری که خشونت را تجربه می‌کنند فاقد حمایت اجتماعی لازم از طرف خانواده بوده و وضعیت اقتصادی اجتماعی مناسب ندارند و تمام اینها باعث می‌شود تا این زنان خدمات دوران بارداری را به طور مناسب و به موقع دریافت نکرده در نتیجه در این زنان زایمان زودرس و کم وزنی جنین شایع می‌باشد که سلامت جنین را گاه به طور جدی تهدید می‌کنند. مهمترین خطرات خشونت در دوران بارداری شامل زایمان زودرس، بستری شدن پی در پی مادر به علل گوناگون (مارچانت روحی)، مرده زایی و سقط، عفونتهای دستگاه ادراری و عفونتهای مزمن لگن می‌باشد. (Jasinski, 2004 Connolly, McMahon, Hanssem 1997).

۵- شیوع خشونت در ایران و جهان

اساسا در ایران آمار دقیقی از خشونت خانگی علیه زنان حامله گزارش نشده است. با توجه به شواهد فراوان به نظر می‌رسد که به احتمال زیاد شمار زیادی از زنان باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی قربانیان خشونت هستند. مطالعات متعددی در نقاط مختلف کشور در این مورد انجام شده است که در ذیل به طور خلاصه به آنها اشاره می‌گردد. مطالعه جهانفر و همکاران در تهران میزان خشونت خانگی علیه زنان باردار را در حدود ۶۰ درصد برآورد کرده است. که در حدود ۱۵ درصد موارد خشونت جسمی، ۶۰ درصد روحی روانی و ۲۳ درصد جنسی بود. شیوع خشونت خانگی جسمی در زنان باردار در شهرکرد در مطالعه صالحی و همکاران ۳۴ درصد، خشونت روحی ۵۲ درصد و خشونت جنسی ۱۴ درصد تخمین زده شده است. حسن و همکاران در تحقیقی که در سه شهر بناب، میاندوآب و مهاباد انجام دادند نشان دادند که شیوع خشونت در زنان باردار در میاندوآب ۷۸ درصد، در مهاباد ۶۷ درصد و در بناب در حدود ۹۴ درصد بود. نجومی و همکاران نیز میزان خشونت بر زنان باردار در تهران را در حدود ۱۱ درصد برآورد کردند. اما جمشیدی منش و همکاران شیوع خشونت در زنان باردار در تهران را ۵۶ درصد تخمین زدند. میزان خشونت روانی و روحی ۵۱ درصد و خشونت فیزیکی ۵ درصد بود. بهنام و همکاران در تحقیقی در مشهد خشونت کلامی شدید ۰/۷، خشونت روانی شدیدی ۱/۷ درصد، خشونت فیزیکی شدید ۰/۳ در دوران بارداری در زنان بستری شده در بخش بعد از زایمان برآورد کردند. همانطور که مشاهده می‌شود شیوع خشونت در مطالعات مختلف به شدت متفاوت است. یکی از علل آن وابسته بودن خشونت به عوامل بسیار مختلف فرهنگی، فردی، اجتماعی و ... می‌باشد. یکی دیگر از علل عدم همخوانی آمار در بخشهای مختلف کشور این است که بیشتر زنان ایرانی حاضر نیستند خشونت خانگی را به پلیس گزارش کنند، طبیعی است که در هنگام تحقیقات هم شماری از زنان اعمال خشونت را گزارش نخواهند کرد. در واقع آمار خشونت خانگی به ویژه در دوران بارداری بازتاب کننده واقعیات نیست (حسن، کاشانیان، روحی، ۱۳۸۹: ۹).



۶- خشونت علیه زنان (در پرتو نظام حقوق بشر)

خشونت علیه زنان یکی از مسائل بسیار مهم در حقوق بشر می‌باشد. برای اولین بار در سال ۱۹۴۵ سازمان ملل متحد اعلام کرد که زنان حقوق مساوی با مردان دارند. در سال ۱۹۷۹ کنوانسیون رفع هرگونه خشونت علیه زنان (CEDAW) توسط سازمان ملل به تصویب رسید. طبق ماده ۱۵ دول عضو به زنان حقوق مساوی با مردان در برابر قانون اعطا می‌کند. بنا بر ماده ۱۶ این کنوانسیون دول عضو به منظور رفع تبعیض از زنان در کلیه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی کلیه اقدامات مقتضی به عمل خواهند آورد و به ویژه بر اساس تساوی مردان و زنان موارد ذیل را تضمین خواهند کرد و در سال ۱۹۹۲ ماده ۱۹ این کنوانسیون به تصویب رسید که مشخصاً هر گونه خشونت علیه زنان را تبعیض علیه زنان برشمرده و مخالف با اصول این کنوانسیون برشمرده. در سال ۱۹۹۳ برای اولین بار حقوق زنان جزو مبانی حقوق بشر قرار گرفت. در حال حاضر قوانین زیادی در جهت ممنوعیت خشونت علیه زنان در کشورهای مختلف به تصویب رسیده و این در نتیجه لابی گسترده سازمانهای مدافع حقوق زنان با سازمانهای حقوق بشر می‌باشد. این کنوانسیون تأکید دارد که از آنجا که دولتها مسئول ریشه کنی هر گونه تبعیض علیه زنان می‌باشند آنها مسئول مبارزه علیه خشونت علیه زنان و تنبیه افراد و نهادهایی هستند که خشونت علیه زنان را اعمال می‌کنند. در سال ۲۰۰۰ میلادی به دنبال تلاش برای ریشه کنی فقر اهداف توسعه هزاره تدوین شدند. یکی از اهداف اختصاصی برابری زن و مرد بود. در بیانیه اهداف توسعه هزاره بر مبارزه علیه خشونت علیه زنان و رفع هرگونه تبعیض علیه زنان تأکید شده است. (Koolae & Abedi, 2016: 31 و General Recommendation No.19, 2019: Violence Against Women)

۷- خشونت علیه زنان (در نظام حقوقی ایران)

در پاره‌ای از قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران به منظور پیشگیری و حمایت در قبال آسیب‌های احتمالی یا خشونت علیه زنان، مقرراتی وضع شده است؛ از آن جمله می‌توان به ماده ۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «بازجویی و تحقیق از زنان ... در صورت امکان باید توسط ضابطین آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود»، یا ماده ۶۶ از همان قانون که اعلام داشته است: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از ... زنان ... است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت داشته باشند». در تبصره ۲ این ماده آمده که: «ضابطین دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه‌دیدگان جرایم موضوع این ماده را از کمک سازمان‌های مردم‌نهاد مربوطه، آگاه کنند». یا در فصل ۱۸ و ۱۹ از کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، قانون مجازات اسلامی در مواد مختلفی عقوبت و تعزیراتی را برای مخلین و متعرضین به عفت زنان در نظر گرفته است. علیرغم حمایت‌های قانونی مذکور در نفی خشونت علیه زنان، رهبر معظم انقلاب بارها به ضرورت توجه به جلوگیری از ظلم به زن در محیط‌های گوناگون از جمله کانون خانواده و ضرورت حمایت قانونی از آنها تأکید فرموده‌اند که نهایتاً کلیات لایحه ارتقای امنیت و حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر سوء رفتارها بعد از ۱۲ سال کش و قوس بین دولت و مجلس، تصویب شد که این لایحه با تمرکز بر بازدارندگی و پیشگیری، ارتقای امنیت روانی و جسمانی زنان در محیط خانه، کار و اجتماع را هدف قرار داده و بر رسومات غلط گذشته مثل خون‌بس جرم‌انگاری صورت گرفته، حمایت از حریم خصوصی بانوان در مقابل ضابطین قانونی، استفاده از اذن قاضی برای خروج زنان از کشور، مجازات شوهری که همسر خود را از خانه اخراج یا مانع ورودش شود، جرم‌انگاری اجبار زن به ازدواج و طلاق توسط هرکس از جمله ولی و قیم، از نقاط قوت لایحه مذکور می‌باشد.



۸- خشونت و اسلام (فقهی)

اسلام در تمام شئون مادی و معنوی رعایت اخلاق را واجب و لازم می‌داند. قرآن هرگونه تعدی، تجاوز و ستمگری را محکوم و آن را نهی می‌نماید: "و لا تعتدوا ان الله لا يحب المعتدين" تعدی و تجاوز نکنید، زیرا خداوند ستم پیشگان و تجاوزگران را دوست ندارد (انفال ۶۰). از دیدگاه قرآن یکی از صفات بارز پیامبر اسلام اخلاق نیکو و رفتار کریمانه آن حضرت می‌باشد. فیما رحمه من الله انت و لو كنت فظا غليظ القلب لا نفطو من حولك... پس به برکت و رحمت خداوند به آنان نرم‌خو و مهربان شدی و چنانچه تندخو و سخت دل بودی هر آینه از گرد تو پراکنده می‌شدند (آل عمران ۱۵۹). اسلام هیچ گونه محدودیت، نقض آزادی را به زنان تحمیل نمی‌کند. کلیه حقوق زنان به طور روشن در تعالیم اسلامی شرح داده شده است.

پیامبر اسلام، در آخرین خطبه خویش در **حجة الوداع** نیز بر نیکویی پیش گرفتن با زنان تأکید کردند: ای مردان، با زنان خویش به نیکی رفتار نمایید و با ایشان مهربان باشید؛ چرا که آن‌ها شریک شده و یاری‌کنندگان شما در دین هستند. و نیز استوصوا بالنساء خیرا؛ یکدیگر را به رفتار نیک با زنان سفارش کنید. پیامبر اسلام به فرزند دختر بهای زیادی داده و می‌فرماید: مَنْ وُلِدَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَلَمْ يُؤْذِهَا وَ لَمْ يُهِنِّهَا وَ لَمْ يُؤْثِرْ وُلْدَهُ عَلَيْهَا - يَعْنِي الذَّكَورَ - أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهَا الْجَنَّةَ هر کس که برایش دختر به دنیا آید و او را اذیت نکند و حقیرش نشمارد و فرزندانش - یعنی پسران - خود را بر او ترجیح ندهد، خداوند به واسطه آن دختر او را به بهشت می‌برد.

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الْأُنثَى أَرْقٌ مِنْهُ عَلَى الذَّكَورِ، وَ مَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَةً عَلَى امْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا حُرْمَةً إِلَّا فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

خداوند به دختر مهربانتر از پسر است، کسی که باعث خوشحالی دخترش شود، خداوند روز قیامت او را خوشحال می‌کند. این احادیث نشان می‌دهند که پیامبر اسلام به ارتقای جایگاه زنان در اجتماع اهمیت می‌داده است.

در قرآن، مردان به مهربانی و نیکویی با زنان توصیه شده‌اند. با زنان به نیکویی بگذرانید، اگر چه خوش آیند شما نباشند. چه بسا چیزها که شما را ناخوش آیند باشد، و خداوند برای شما، در آن نیکویی بسیار نهاده است (نساء ۱۹).

قرآن در سوره حجرات در آیه ۱۳ می‌فرماید که ملاک برتری تقوا است و گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقوا ترین شما هستند. در اینجا قرآن تقوا را ملاک برتری قرار داده است نه رنگ و نژاد، و نه قوم و قبیله، و نه زن و مرد بودن را.

خداوند در قرآن همیشه زنان و مردان را در کنار هم مسئول می‌داند و همه ثواب و عذاب‌ها را شامل مرد و زن می‌خواند و هیچ برتری نسبت به یکدیگر را برای آنها قائل نیست. مثلاً در آیه ۳۵ سوره احزاب می‌فرماید «بی‌گمان مردان و زنان مومن، مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان فرمانبردار، مردان و زنان درستکار، مردان و زنان صدقه‌دهنده، مردان و زنان روزه دار، مردان و زنان پاکدامن، مردان و زنانی که خداوند را یاد می‌کنند و.....» در اینجا به وضوح مشخص می‌شود که دین مبین اسلام هیچگاه زن و مرد را برتر از یکدیگر در حقوق اجتماعی و مجازات و سایر مسائل قرار نداده است.

در زندگی دینی، از برابری زن و مرد سخن رفته است: «مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان پرهیزکار و زنان پرهیزکار، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان صدقه‌دهنده و زنان صدقه‌دهنده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاک‌دامن و زنان پاک‌دامن، مردانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند؛ خدا برای همه ایشان آموزش و پاداش بزرگ فراهم ساخته است.» (الاحزاب) در جای دیگر، قرآن می‌گوید: «مردان و زنان باایمان، دوستان یک‌دیگرند. هم‌دیگر را به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از انجام کارهای ناپسند بازمی‌دارند، نماز را برپا می‌دارند و زکات را می‌پردازند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. (توبه ۷۱).

اسلام این حقیقت را به دنیای بشریت اعلام کرد که زنان همانند مردان، انسان و جزئی از پیکر جامعه‌اند. (یا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً) (نساء ۴: ۱۷) «ای مردم جهان، پرهیزید از آن خدایی که همه شما را از یک نفس آفرید و همسرش نیز از همان نفس آفرید و مردان و زنان فراوانی را از آن دو پدید



آورد... هر کس کارهای نیک انجام دهد، چه زن چه مرد در حالی که به خدا ایمان داشته باشد، به بهشت می رود و ذره ای به کسی ظلم نمی شود. (نساء (۴) : ۱۲۴) در تعالیم آسمانی به خاطر وجود احساسات و عواطف در زنان، توصیه های زیادی درباره چگونگی ارتباط با زنان و دختران ارائه و شأن بارز اصالت، نجابت و رادمردی در حسن معاشرت و نیکی به همسران شمرده شده است. در سفارش ها و توصیه های اسلام لفظ مؤمن در برخورد مناسب و دور از هر گونه خشونت و آزدن به صورت کلی، هم زن مؤمن و هم مرد مؤمن را در بر می گیرد، اما در محدوده خانواده و روابط خانوادگی با بررسی آیات و روایت های معصومین (ع) به تأکید های زیادی در مورد پرهیز از خشونت نسبت به زنان و حسن معاشرت با آنها بر می خوریم (وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (نساء (۴) : ۱۹) « با زنان به نیکی و مهربانی رفتار کنید». علامه طباطبایی در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: «کلمه معروف به معنای هر امری است که مردم در جامعه خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند. معاشرت معروف این است که یک فرد از جامعه، مساوی با سایر اعضای جامعه باشد... خداوند همه مردم را بدون استثنا، تنه درخت بشریت دانسته است؛ بنابراین حکم تسویه در معاشرت در مورد آنان جاری است و این همان حریت اجتماعی و آزادی زنان و مردان است...» (المیزان، ج ۴، ص ۲۵۵ و ۲۵۶) در واقع می توان گفت در خانواده که به منزله یک جامعه کوچک است، زن نیز همانند مرد از حقوق مساوی انسانی برخوردار است و همان طور که در یک جامعه باید حقوق تک تک افراد رعایت شود، در خانواده نیز حقوق زن نیز به عنوان یک انسان باید رعایت شود. (وَ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلِّغْنَ أَجْلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا) (بقره (۲) : ۲۳۱) « اگر زنان را طلاق دادید و مهلتشان سر آمد، یا آنان را به نیکی و وجهی نگه دارید یا به نیکی وجهی رها سازید و برای اینکه به آنان زیان برسانید، در خانه نگاهشان ندارید.» به طور معمول طلاق و جدایی با آزار و کینه ورزی و برخوردهای ناهنجار جانبی همراه است؛ بنابراین قرآن از این معضل پیشگیری کرده و می فرماید در هر حال با رعایت اصل معروف با آن ها رفتار کنید و مبادا در این حال، آنان را آزار دهید یا زیان برسانید یا رفتاری خشونت آمیزی داشته باشید. (وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ) (بقره (۲) : ۲۳۳)؛ «بر عهده صاحب فرزند؛ پدر است که خوراک و لباس زنان را به وجهی نیکو تأمین کند» با توجه به نقش اصلی و مهم مادر در خانه و تربیت فرزندان، بی شک رفتارهای خشن علیه او آثار و تبعات سویی بر سایر افراد خانواده به ویژه فرزندان خواهد گذاشت. مادران در معرض خشونت هرگز نمی توانند در تربیت فرزندان موفق باشند و فرزندان با سلامت روان و اعتماد به نفس تربیت کنند. «معروف» نام فراگیری برای هر کاری که موجب اطاعت خدا یا نزدیکی به خدا و نیکی نسبت به مردم باشد و نام هر کاری است که نیکی و شایستگی آن در قانون شرع یا قانون عقل پذیرفته شده است. (مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۵۹) طبرسی در مجمع البیان می گوید: «معاشرت با معروف؛ یعنی رفتاری که طبق دستور خدا و همراه با ادای حقوق زنان در تأمین نیازها و نیکی گفتاری و نیکی رفتاری با آنان باشد و نیز گفته شده است، معروف این است که زنان را نزند و سخن زشت به آنان نگوید و در رویارویی با آن ها گشاده رو باشید». (مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۳۶) (فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا) (نساء (۴) : ۱۹)؛ «و چنانکه [همسران] دلپسند شما نباشد (اظهار کراهت نکنید)، چه بسا چیزهایی که ناپسند شماست و حال آنکه خداوند در آن خیر بسیاری برای شما مقدر فرموده است». این دستور به مردانی است که با عدم توافق اخلاقی یا عاطفی یا مسائل دیگر، به طلاق رو می آورند. در چنین شرایطی قرآن کریم به آنان توصیه می کند که رعایت حال همسرشان را بکنند و خداوند خیر کثیری به آن ها عطا خواهد کرد. سوالی که در اینجا به ذهن می رسد این است که پس چرا در قرآن به زدن زن اشاره شده است: (وَ الْآتَى تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيهِنَّ سَبِيلًا) (نساء (۴) : ۳۴)؛ «و آنان زنانی را که از نافرمانیشان (در رابطه با امور جنسی) بیم دارید، اندرز دهید و از بسترشان دوری کنید و سپس آنان را بزنید، اگر فرمانبرداری کردند پس دیگر راه بیداد پیش مگیرید» علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه می فرماید: «نشوز یعنی سرپیچی از اطاعت از روی تکبر و مراد از خوف نشوز، ظهور علائم و آثار آن است. این سه علاج؛ یعنی «فِعْظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ» گرچه با یکدیگرند ذکر شده و هر یک با (و) به دیگری عطف گردیده اند، ولی اموری پشت سر هم و مترتب بر یکدیگرند و به صورت تدریجی بیان شده است؛ یعنی اول دلیل



بر آنکه این ها موعظه، اگر سودی نبخشید؛ دوری گزیدن در بستر، اگر آن هم فائده ای نکرد، در آخر کار زدن. دلیل بر آنکه اینها تدریجی هستند، این است که با طبع این ها وسایل آزار و به ترتیب در کلام، ضعیف و شدید می باشند؛ آورده شده اند و ترتیب از سیاق فهمیده می شود، نه از حرف عطف (و). ظاهر معنای دوری کردن از زنان، دوری کردن در بستر است، مانند پشت کردن به زن، ترک ملاعبه و...؛ نهدوریا بستر. اگرچه از مطلقترک، همخوابگیرانیز میتوان از این کلمه اراده نمود، ولی معنای بعیدی است. (المیزان، ج ۴، ص ۳۴۵).

حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله فتوای داده اند که اولاً با ظهور اولین نشانه های نشوز می بایست به شروع موعظه اقدام کرد این نشانه ها می توانند شامل تغییر رفتار زنان در سخن گفتن یا مداوم چهره درهم کشیدن باشد ثانیاً همسران برای رفع نشوز زنان خود باید مرحله به مرحله اقدام کنند. و اگر زن با موعظه رویه خود را اصلاح می کند، هجر جایز نیست چنانکه در صورت نتیجه بخش بودن هجر ضرب جایز نمی باشد ثالثاً اگر با کمی خشونت مشکل مرتفع می شود حق تعدی به مقدار شدیدتر برای مرد وجود ندارد رابعاً این کار باید به قصد اصلاح باشد نه انتقام جویی و خامساً ضرب نباید بدن زن را سیاه یا کبود نموده و یا باعث خونریزی شود و هرگونه صدمه ای که از این دست به وجود آید مرد ضامن است. (تحریر الوسیله ج ۲-ص ۳۰۵) لذا از عمده ترین اقسام خشونت علیه زنان، خشونت خانگی است که پیامبر اکرم (ص) درباره منزلت دختر می فرماید: «چه قدر فرزند دختر خوب است. دختران سرشار از لطف هستند، آماده ی کمک و یاری می باشند و پاکیزه و مبارکند (اصول کافی ج ۶). امام صادق (ع) نیز می فرماید «یک زن درست کار از هزار مرد ناصالح بهتر است» ایشان در جای دیگر فرمودند: «بیشترین خیر در دختران است» امام صادق (ع): «همین یک گناه برای مرد کافی است که خانواده ی خود را ضایع سازد»

امام باقر «کسی که زنی را به همسری بر گزیند باید او را اکرام کند. زنان شما باعث نشاط شما هستند هر که ازدواج می کند حق ندارد او را اذیت کند». پیامبر اکرم (ص) در مورد جزای بد رفتاری شوهر با همسرش در روایتی فرموده اند: «هر مردی که با سخنان خود همسرش را آزار دهد، خداوند از او بخشش و صدقه و حسنه ای را قبول نمی کند، تا زن خود را راضی کند. اگر چه آن مرد روزش را روزه بگیرد و شب ها را شب زنده داری کند و در راه خدا بنده آزاد نماید و در راه جهاد با دشمنان خدا مبارزه کند و چنین شوهری اولین کسی است که وارد آتش جهنم می شود» و نیز فرمودند: «هر مردی که به صورت همسرش یک سیلی بزند، خداوند عزوجل، به مالک دوزخ فرمان می دهد او را در جهنم، هفتاد سیلی بزنند». همچنین پیامبر اکرم (ص) در مورد بدترین مردان می گوید: «بدترین مردان شما کسی است که تهمت زن، بد اخلاق و بد زبان است، به تنهایی می خورد و بخشش نمی کند و دیگران پناه همسرش هستند» (اصول کافی ج ۲)

در دین اسلام اگر زن بارداری مرتکب جنایتی که حدّ بر او واجب شود، مثلاً اگر زنا دهد و چهار شاهد عادل بر زنا دادن او شهادت دهند و ثابت شد زن بارداری زنا داده است و بنا شد که او را حدّ بزنند، مادامی که این زن باردار است جاری کردن حد بر او حرام است و باید تا وضع حمل صبر کرده، بعد حدّ را بر او جاری سازند، اگرچه آن بچه از زنا باشد. محمد بن علی بن الحسین فی الامالی عن محمد بن الحسن، عن الصفار عن محمد بن الحسین بن أبی الخطاب، عن الحکم بن مسکین، عن أبی خالد الکعبی عن أبی عبد الله (ع) أن رسول الله (ص) قال ایما امرأة دفعت من بیت زوجها شیئا من موضع إلی موضع ترید به صلاحاً نظر الله إلیها، و من نظر الله إلیه لم یعذبها، فقالت ام سلمة: یا رسول الله (ص) ذهب الرجال بكل خیر فأی شیء للنساء المساکین؟ فقال (ع): بلی إذا حملت المرأة کانت بمنزلة الصائم القائم المجاهد بنفسه و ماله فی سبیل الله، فإذا وضعت کان لها من الاجر ما لا یدری أحد ما هو لعظمه، فإذا أرضعت کان لها بكل مصّة کعدل عتق محرر من ولد اسماعیل، فإذا فرغت من رضاعه ضرب ملک کریم علی جنبها و قال: استأنفی العمل فقد غفر لک؛ رسول خدا (ص) فرمود: هر زنی که در خانه شوهر وسیله ای را از جایی به جایی بگذارد و قصد خیر داشته باشد، خدا به او توجه کند و هر که مورد نظر خداوند باشد او را عذاب نمی کند. ام سلمه گفت: ای رسول خدا، مردان همه خوبی ها را از آن خود ساختند. زنان بیچاره چه دارند؟ فرمود: وقتی زنی باردار شد مانند روزه داری



است که به شب زنده داری مشغول است و در راه خدا با جان و مال جهاد می کند. هنگامی که وضع حمل کند، چنان پاداشی دارد که هیچ کس نداند. هنگامی که بچه شیر می دهد در برابر هر مک زدن، ثواب آزاد کردن برده ای از فرزندان اسماعیل را دارد و وقتی شیر دادن تمام شد، فرشته گوید: گذشته ات بخشوده شد. از نو شروع کن». در حدیثی که از علی (ع) نقل شده است آمده است «ایاک و مشاوره النساء فان رایهن الی افن وعزمهن الی وهن؛ از رایزنی با زنان بپرهیز، زیرا رای آنان سست بوده، در تصمیم گیری ناتوانند». و لکن هر دو مساله با رفع عوامل آن قابل جبران است لذا در حدیث دیگری که علامه مجلسی از علی (ع) نقل می کند آمده است: «ایاک و مشاوره النساء؛ از مشورت با زنان بپرهیزید» اما بلافاصله زانی که کمال عقلشان آزموده و اثبات شده است استثنا می شود «الا من جربت بکمال عقل» این به لحاظ نوع زنان است و الا چه بسیار مردانی نیز باشند که احساساتی یا کم تجربه باشند، مشورت با آنان نیز نافع نیست و چه بسا زیان بار باشد. بر اساس حدیث مذکور نیز امام علی (ع) کمال عقل و آگاهی را در مشورت شونده شرط می داند و زن بودن را مانع جواز مشورت نمی شمارد. از طرف دیگر در برخی امور که تخصصی و آشنایی زنان بیشتر است سفارش شده است که با زنان مشورت کنید مثل آن حدیثی که رسول اکرم (ص) می فرماید: «ایتمرو النساء فی بناتهن؛ در امور مربوط به دخترانتان با زنان خود مشورت کنید» بالاتر آنکه در قرآن کریم خداوند متعال در برخی مسایل خانوادگی دستور به رایزنی زن و مرد و تبادل افکار آنان داده است «فان اراد فصلا عن تراض و تشاور فلا جناح علیهما؛ اگر پدر و مادر بخواهند با رضایت و مشورت یکدیگر فرزندان را زودتر از دو سال از شیر بازگیرند مرتکب گناهی نشده اند»، (سوره بقره، آیه ۲۳۳) یا در سوره طلاق نیز درباره همفکری و همکاری زن و مرد اشاره شده است، (سوره طلاق، آیه ۶). روایات نقل شده از علی (ع) یا سایر روایات اثبات می کند که مقصود از (برحذر داشتن از مشورت با زنان) دقت در گفتار و اندیشه های زنان معمولی است و یا زنان هوسباز و کم خرد و تبه کار و تهی مغزی که دل به زخارف فریبنده دنیا بسته و چشم از حقایق برتر فرو بسته اند. اما زانی که از زرو زویور دنیا اعراض کرده و به تعقل پرداخته اند، مانند مردان شایسته مورد مشورت هستند. پس قطعاً در صورت صحت آن، مراد امام همه زنان نیست. اگر مراد همه زنان باشد، چرا حضرت زهرا (س) در مسائل مهم سیاسی - اجتماعی زمان خویش شرکت می کرد؟ اگر مراد همه زنان باشد، چرا دختران حضرت به ویژه حضرت زینب (س) در مسائل سیاسی نقش آفرین زمان شدند؟ بسیاری از مردان نیز در امور سیاسی و مسائل مهم اجتماعی لیاقت لازم را ندارند. در واقع حضرت علی (ع) می فرماید: با فرد بخیل، ترسو و حریص مشورت نکن، چون در هر یک از این ها نقطه ضعفی وجود دارد که مانع نیل تو به حقیقت می شوند در همین راستا، به خاطر برخی نکات بیولوژیکی و زیست شناختی در بانوان که همانا غلبه احساسات و هیجان ها بر خردورزی آنها و نیز محدودیت اجتماعی که باعث کاهش تجربه به آنان می گردد احیاناً رای زنی با بانوان را محدود نموده است و گرنه هوش زن و مرد کاملاً مساوی است. آیت الله خامنه‌ای درباره اجر زن در برابر سختی‌های زندگی می‌فرماید: «خانم‌ها اگر از ناحیه همسرشان زحمتی متحمل شوند که آن همسر این زحمت را به خاطر کار و تلاش و مجاهدت، بر شما تحمیل می‌کند این زحمت پیش خدای متعال اجر دارد، ولو یک لحظه و یک ساعتش را هیچ کس نفهمد. خیلی‌ها از زحمات خانم‌ها آگاهی ندارند. مردم عادت کرده‌اند که خیال کنند زحمت، چیزی است که انسان با بازو و بدن و جسم خود انجام می‌دهد؛ نمی‌دانند زحمات روحی و عاطفی گاهی سنگین‌تر است. آقایان، خیلی زحمات‌های شما را درست ملتفت نیستند؛ اما خدای متعال که «لایحقی علیه خافیه» است _ هیچ چیز از او پوشیده نمی‌ماند _ ناظر کار شماست و شما اجر دارید.»

«اگر جامعه اسلامی بتواند زنان را با الگوی اسلامی تربیت کند _ یعنی الگوی زهرایی، الگوی زینبی، زنان بزرگ، زنان با عظمت، زنانی که می‌توانند دنیا و تاریخی را تحت تاثیر خود قرار بدهند _ آن وقت به مقام شامخ حقیقی خود نایل آمده است. اگر زن در جامعه بتواند به علم و معرفت و کمالات معنوی و اخلاقی‌ای که خدای متعال و آیین الهی برای همه انسان‌ها _ چه مرد و چه زن _ به طور یکسان در نظر گرفته است برسد، تربیت فرزندان بهتر خواهد شد؛ محیط خانواده گرم‌تر و باصفا تر خواهد شد؛ جامعه پیشرفت بیشتر خواهد کرد؛ و گره‌های زندگی آسان‌تر باز خواهد شد؛ یعنی زن و مرد خوشبخت خواهند شد. برای این باید تلاش کرد؛ هدف این است. هدف صف‌آرایی زن در مقابل مرد نیست. هدف، رقابت خصمانه زن و مرد نیست.»



امام خمینی رحمه الله زن را مظهر تحقق آمال بشر معرفی می‌کنند: «زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ، زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند.» (صحیفه نور ج ۶) ، «زن مظهر تحقق آمال بشر است ... از دامن زن مرد به معراج می‌رود.» (صحیفه نور ج ۶)

حضرت امام نمونه انسان کامل و تمامیت آنچه باید برای زن متصور باشد را در وجود مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها می‌بینند و می‌فرمایند: «تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است در فاطمه زهرا سلام الله علیها جلوه کرده و بوده است، یک زن معمولی نبوده است، یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن...» (صحیفه نور ج ۶) و باز در خصوص آن وجود مبارک می‌فرمایند: «او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است ... زنی که تمام خاصه‌های انبیاء در اوست، زنی که اگر مرد بود، نبی بود، زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله صلی الله علیه و آله بود.» (صحیفه نور ج ۶).

حضرت امام شخصیت فردی زن را به عنوان موجودی ثانوی قلمداد نمی‌کنند و در مقایسه با مرد هیچ‌گاه شأنی پایین‌تر برای او قائل نیستند، بلکه معتقدند شخصیت زن اگر بالاتر از مرد نباشد حداقل برابر است و مردان هیچ برتری و منزلتی بر زنان ندارند و اگر تفاوتی وجود دارد، تفاوتی بر حسب تناسب است. ایشان در این باره چنین می‌فرمایند: «تاریخ اسلام گواه احترامات بی حد رسول خدا صلی الله علیه و آله به این مولود شریف (حضرت زهرا سلام الله علیها) است، تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد، که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست.» (صحیفه نور ج ۱۴) ، «اسلام زن‌ها را در مقابل مردها قرار داده، نسبت به آن‌ها تساوی دارند، البته یک احکام خاص به مرد است که مناسب مرد است، یک احکام خاص به زن است، مناسب زن است، این نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است.» (صحیفه نور ج ۱۴).

قرآن، هرگونه نگاه جنسیتی به انسان را به صراحت و با شدت نفی می‌کند و اصولاً از نظر قرآن، جنسیت، نژاد، زبان، باور ها و عقاید، هرگز در هویت انسانی انسان دخالت ندارد. و هر فرد انسان، چه زن، چه مرد، چه سیاه، چه سفید، چه مسلمان، چه غیر مسلمان، قبل از همه‌ی اینها انسان است و بر مبنای هویت یکسان و مشترک از حقوق انسانی برخوردار است. با توجه به احادیث و آیات قرآن خشونت علیه زنان به هیچ وجه قابل توجیه نمی‌باشد. با توجه به نتایج نشان داده شده از تحقیقات متعدد خشونت علیه زنان باردار اثرات بعضاً غیر قابل جبرانی روی نوزاد داشته و حتی گاهی باعث مرگ جنین می‌گردد و از این بابت تزییع حقوق دو نفر محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

این مقاله به منظور بررسی دیدگاه‌های فقهی و حقوقی در خصوص خشونت علیه زنان انجام شد. در آیات شریفه قرآنی و احادیث به کرات، لزوم احترام به حقوق زنان و حمایت از آنها توصیه و سفارش شده است و به تبع آن قانونگذار نیز در قوانین مختلف سعی در حمایت و رعایت حقوق زنان را دارد. عوامل زمینه‌ساز خشونت علیه زنان، ناشی از زندگی‌های ناسالم، مشکلات روحی و جسمی افراد و نبود ثبات اجتماعی می‌باشد که در نهایت باعث ایراد صدمات جسمی و روحی جبران‌ناپذیری به زنان و خانواده خواهد بود.

منابع

۱. اصول کافی ج ۲، کلینی
۲. اینگل هارت، رونالد، (۱۳۸۳) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته ی صنعتی، برگردان مریم وتر، تهران: انتشارات کویر
۳. تحریر الوسیله ج ۲-ص ۳۰۵، امام خمینی



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت‌های حقوقی پزشکی فراروی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



۴. حسن، معصومه، کاشانیان و روحی. خشونت خانگی علیه زنان باردار: شیوع و علل مرتبط *فصلنامه ی علمی پژوهشی زن و جامعه*، سال اول، شماره ی چهارم، زمستان ۷۷
۵. *صحیفه نور* ج ۱۴، امام خمینی
۶. مارابی، محسن، (۱۳۸۴) *بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر خشونت علیه زنان در استان کردستان*، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران
۷. *مجمع البحرین*، ج ۳، ص ۱۵۹، فخرالدین طریحی.
۸. *مجمع البیان*، ج ۱، ص ۳۳۶، فضل بن حسن طبرسی
۹. محبی، سیده فاطمه (۱۳۸۰) *آسیب شناسی اجتماعی زنان، خشونت علیه زنان، فصلنامه کتاب زنان*، سال پنجم، شماره ۴
۱۰. *المیزان*، ج ۴، ص ۲۵۵ و ۲۵۶، علامه محمدحسین طباطبایی
۱۱. *قانون مجازات اسلامی*، ۱۳۹۲
۱۲. *قانون آیین دادرسی کیفری*، ۱۳۹۲
۱۳. *قانون حمایت خانواده*، ۱۳۹۱
۱۴. *کلیات لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان*، ۱۴۰۲
۱۵. *قرآن کریم*. آیات شریفه.
16. Connolly AM, Katz VL, Bash KL, McMahon MJ, Hansen WF. *Trauma and pregnancy* . Am J Perinatol 1997
17. Cunningham, G. Gant, N. Leveno, K. and Ginsrap, I. 2007. Williams Obstetrics, Mcgrow hill
18. General Recommendation No.19: *Violence against women*, 11th Session, 1992
19. Jan;5(1):47-64
20. Jasinski JL. *Pregnancy and domestic violence: areview of the literature*. Trauma Violence Abuse 2004
21. Jul;14(6):331-6.
22. Koolae, A., Abedi, A. (2016). A Glance on Iranian Women Political Participation in 2001-2011, *International Studies Journal*, 13)2(, 29-48. (In Persian)



Jurisprudential & Legal Study of Violence Against Pregnant Women

Mahdi Mehiri

M.A in Family Law, Shabest branch, Islamic Azad University, Shabest, Iran (Corresponding Author)

lawyermahiri@gmail.com

Abstract

Background & Purpose: Violence against women is any violent behavior related to gender that causes harm or is associated with the possibility of physical, sexual, emotional harm or suffering of women. The purpose of this research is to investigate violence against pregnant women.

Research Method: This review was conducted using library studies, in the period from 1992 to 2020, and by searching international databases and websites using the keywords of violence, pregnancy, abuse, and rights. The official articles and publications of the World Health Organization and the United Nations, as well as reliable jurisprudential sources and the results of the content analysis of the Holy Quran were used in this review.

Findings: The findings of this study include three groups of causes and consequences, prevalence in Iran and the world, and violence against women. All in all, the underlying factors of violence and spousal abuse during pregnancy, lack of social stability, unhealthy lifestyle, and physical health problems are the main causes of violence against pregnant women.

Conclusion: According to the hadiths and verses of the Quran, violence against women cannot be justified in any way. Violence against pregnant women has sometimes irreparable effects on the baby and sometimes even causes the death of the fetus.

Keywords: Violence, Pregnancy, Women, Rights